

گذری بر تاریخ ساخت میدان‌های بار در مشهد قدیم که به‌مرور به محل تأمین مایحتاج مردم تبدیل شدند

میادین بار با خاطراتی به قدمت قاجار



شیرین سیدی | میهمان‌نوازی ایرانی‌ها به‌ویژه در نوروز، سبب شده است علاوه‌بر رسمی مثل خانه‌تکانی و پهن کردن سفره هفت‌سین، اهل خانه از دو هفته مانده به عید، به فکر فراهم کردن اسباب پذیرایی از میهمان هم باشند؛ اسبابی مثل میوه و آجیل که در گذشته و پیش از روی کار آمدن سوپرمارکت‌های کوچک و بزرگ، در میدان‌های بار عرضه می‌شد؛ البته میدان‌های بار هنوز هم رونق خود را حفظ کرده‌اند و مقصد اول و آخر خیلی‌ها برای خرید میوه و تره‌بار در طول سال و حتی تهیه مایحتاج در نوروز هستند. همین موضوع نیز سبب شد در سطرهایی، از تاریخ میدان‌های بار در مشهد قدیم بنویسیم.

- ایجاد نخستین میدان‌بار در مشهد

در قدیم و پیش از به‌وجود آمدن میدان‌های بار قدیمی، علاف‌ها که در کاروان‌سراها مستقر بودند، نقش مهمی در تأمین مایحتاج جامعه سنتی داشتند، اما با تغییر جامعه و گسترش شهرها، به‌مرور نقش آن‌ها کم‌رنگ و میدان‌های بار جایگزینشان شد. علاف‌ها نیز نقش مهمی در تنظیم بازار و سوءاستفاده به نفع خود داشتند و یکی از دلایل اقدام بلدی به برای تأسیس میدان‌بار نیز، مقابله بازیاده‌خواهی برخی از آن‌ها بوده‌است. در مشهد، سابقه تأسیس نخستین میدان‌بار که باهدف عرضه مستقیم کالا به‌وجود آمد، به دوره قاجار می‌رسد. برابر اسناد موجود، آصف‌الدوله در سال ۱۳۰۲قمری (۱۲۶۳خورشیدی) اولین میدان‌بار را راه‌اندازی کرد. روایت است که کسبه و مردم در ابتدا به این موضوع معترض می‌شوند، اما پس از آنکه نرخ همه اجناس و ارزاق روزبه‌روز کاسته می‌شود، استقبال مردم نیز از آن بیشتر می‌شود، به‌طوری‌که روزنامه‌ایران، گزارش شادی و شکرگزاری آنان از این اتفاق را چاپ و منتشر می‌کند. یکی‌دیگر ازمقاطعی که میدان‌بار در مشهدتشکیل می‌شود، سال اول مشروطه است، در سندی به تاریخ ۷جمادی‌الاول ۱۳۲۶خورشیدی آمده‌است: «چون در شهر مشهد معلوم بود ماکولات وارده را صنف علاف می‌فروختند، انجمن بلدی به این رسم را متروک کرد و به جای آن در چهار نقطه شهر میزان قرار داد که هرچه از دهات به شهر می‌آمد، هرکس می‌توانست، خریداری کند». این اقدام که مغایر با برنامه و اهداف علاف‌ها بوده است، سبب واکنش آن‌ها می‌شود. روزنامه حیل‌المتین در ۶جمادی‌الاولی ۱۳۲۶قمری (۱۶خرداد ۱۲۸۷خورشیدی) درهمین‌زمینه چنین می‌نویسد: «دو نفر علاف که دربان آستان قدس بودند، متعرض متصدیان میزان شده، آن‌ها را کتک زده و میزان را برداشتند، ولی اهالی به این اقدام آن‌ها واکنش نشان دادند و روز بعد اجتماع کردند و کلیه دکان‌ها را بستند و تنبیه مرتکبین را از ایالت و تولیت خواستند.»

- ایجاد دومین میدان‌بار مشهد

میدان‌بار بعدی مشهد در سال‌های پس از جنگ جهانی اول و به‌همت بلدی به‌پای می‌گیرد. روزنامه‌رعد در ۶مهر ۱۳۳۸قمری (۸مهر ۱۲۹۸خورشیدی) در این باره چنین توضیح می‌دهد: «اداره بلدی به تحت ریاست سالار ممتاز برای رعایت حال فقرا و آسایش عامه و برحسب پیشنهاد انجمن بلدی و ایالت، اعلامی منتشر کرد و سه نقطه را در شهر معین [کرد] و برای فروش اجناسی که مورد احتیاج بود، اختصاص داد تا اسباب رفاه اهالی فراهم گردد». براساس این اعلامیه، اداره بلدی میدان‌هایی عمومی برای فروش اجناس تعیین می‌کند تا صاحبان اموال، اجناس خود را در میدان‌های مزبور به معرض فروش بگذارند. بلدی همچنین منافع غیرمشروع علافان می‌شود. این صنف وقتی می‌بیند اوضاع بر وفق مراد آنان نیست، در ادامه، میدانی شبیه میدان‌بار با نام میدان علاف‌ها می‌سازند، اما موفق به جذب مردم نمی‌شوند.

- ۴مکان برای ایجاد میدان‌بار در دوره پهلوی دوم

در دوره پهلوی نیز انجمن شهر بعد از سه دهه، در ۱۳۳۵خورشیدی به فکر تأسیس میدان‌بار می‌افتد و آن را تصویب می‌کند. جرابید مشهد در ۴شهریور این سال می‌نویسند که قرار است چهار

میدان‌بار برای فروش تره‌بار مصرفی شهر ایجاد شود تا خواروبار و تره‌بار مورد نیاز مردم، زیرنظر شهرداری به‌صورت مستقیم به دست فروشندگان برسد. در این زمینه، مطالعاتی انجام می‌گیرد و قرار می‌شود محل‌های تعیین‌شده برای میدان‌بار از طریق مطبوعات اطلاع‌رسانی بشود. اسناد نشان می‌دهند که با همه تلاش‌های بلدی، مهم‌ترین گام برای تأسیس میدان‌بار را بخش خصوصی در سال ۱۳۳۹خورشیدی برمی‌دارد. دلیل اصلی این موضوع نیز وضعیت نامنظم خریدوفروش میوه و تره‌بار بوده است.

- وقتی گلکاریان و خلخالی پای کار می‌آیند

بنا به گفته حاج غلامرضا گلکاریان (یکی از نخستین مؤسسان میدان‌بار در مشهد)، هر روز متجاوز از سیصد گاری میوه و تره‌بار وارد مشهد می‌شده است؛ آن چنان که گاری‌ها، بارهای خود را از اول دروازه‌قوچان تا نزدیک میدان مجسمه(شهدای فعلی) در مقابل دکان‌ها خالی می‌کردند و این عمل آن‌ها موجب سد معبر می‌شده است؛ اصلی که مغایر با مقررات شهرداری است؛ به همین دلیل مأموران مجبور به برخورد می‌شوند. از طرف دیگر، گاری‌چی‌ها هم چاره‌ای نداشتند و خیلی‌هایشان حتی به نان شب محتاج بودند و نمی‌توانستند بار نیاورند، به همین دلیل آقای گلکاریان به فکر تأسیس یک مرکز خواروبار و میوه‌در شهر می‌افتد و در ۱۲دی ۱۳۳۹خورشیدی، مزایده تأسیس میدان در مشهد برگزار می‌شود.

- نادری؛ نخستین میدان‌بار بزرگ مشهد

در همین راستا، سجادی، شهردار مشهد، مراسم کلنگ‌زنی میدان‌بار را ۲۰خرداد ۱۳۴۰خورشیدی در امتداد خیابان نادرشاه، فلکه شاهرخ، برگزار می‌کند. در ادامه و در مدت یک سال، ۱۷۳باب دکان در داخل و حاشیه خیابان‌ها بنا می‌شود و شصت باب از دکان‌های داخل میدان در ۲۸اسفند ۱۳۴۱خورشیدی در اختیار شهرداری قرار می‌گیرد. برابر اسناد موجود، تا ۲۶مرداد ۱۳۴۱خورشیدی، شانزده نفر از شهرداری تقاضای مغازه می‌کنند و ۲۴باب مغازه حاشیه خیابان نادری و شاهرخ به



تصویری دیگر از میدان بار مشهد، دهه ۵۰ قرن ۱۴ خورشیدی

اجاره داده می‌شود؛ البته تأسیس میدان‌بار توسط گلکاریان با واکنش منفی صنف تره‌بارفروشان مشهد مواجه می‌شود. آن‌ها در این اطلاعیه که در ۱۶تیر ۱۳۴۱خورشیدی منتشر شده است، مخالفت خود را با آن اعلام می‌کنند و آن را میدانی خارج از دروازه‌قوچان به نام میدان خواروبار عمومی توصیف می‌کنند که توهم مفید بودن و مؤثر بر تعیین نرخ تره‌بار به‌وجود می‌آورد. این گروه در ادامه تأکید می‌کنند: «صنف تره‌بارفروش زیر بار نمی‌رود که بخواهد محل کاروکشیش را به دوکیلمتری شهر ببرد».

بالاخره روز شنبه ۲۷مرداد ۱۳۴۲خورشیدی، به‌مناسبت میلاد پیامبر گرامی اسلام (ص)، جشنی توسط حاج غلامرضا گلکاریان و برادران خلخالی در میدان خواروبار، برگزار می‌شود و آن را رسماً افتتاح می‌کنند. در ادامه نیز شهرداری به‌منظور تثبیت نرخ میوه و تره‌بار و وفور آن در شهر و رفع نیاز اهالی در ۱۰اردیبهشت ۱۳۴۴خورشیدی، مصمم می‌شود میدان خواروبار شهر را توسعه و به بازار آن رونق بیشتری دهد تا در آینده، میدان خواروبار مشهد آن‌طور که جوابگوی احتیاجات مردم باشد، مجهز شود و به این ترتیب در سال ۱۳۴۴خورشیدی، میوه و تره‌بار ارزان به حد وفور در اختیار مردم قرار گیرد.

دو هفته بعد، ساختمان محفظه با پوشش شیروانی، سقف و ستون می‌خورد. همچنین علافان و حق‌العمل‌کاران میوه و تره‌بار و آن عده از تجاری که در حوالی خیابان‌های خواجه‌ربیع، خیابان علیا، سعدآباد و سراب، بارفروشی داشتند، به میدان منتقل می‌شوند. در اسناد آمده است که پس از این، همه وسایل نقلیه مانند کامیون، چهارپایان و اتوبوس‌هایی که از حومه شهر، بار میوه وارد می‌کردند، مستقیم به وسیله مأموران راهنمایی‌وراندنگی به میدان نادری هدایت می‌شدند تا محموله‌های خود را در میدان تخلیه کنند. اداره امور میدان نادری نیز مسئول کنترل نرخ میوه جات و تره‌بار با قیمت شهرداری بوده است و به هیچ وجه بارفروشان یا اشخاص دیگری، در امور مربوط به میدان و بازار خواروبار دخالتی نداشتند.

سختگوی شهرداری در ۱۵خرداد ۱۳۴۴خورشیدی، اقدامات و برنامه‌های این سازمان درباره میدان‌بار را بیان می‌کند و مأموران کنترل نرخ (از طرف شهرداری در این میدان گمارده شده بودند) شصت باب از دکان‌های داخل میدان در ۲۸اسفند ۱۳۴۱خورشیدی در اختیار شهرداری قرار می‌گیرد. براب اسناد موجود، تا ۲۶مرداد ۱۳۴۱خورشیدی، شانزده نفر از شهرداری تقاضای مغازه می‌کنند و ۲۴باب مغازه حاشیه خیابان نادری و شاهرخ به

میدان، انبارهای مخصوص برای نگهداری تره‌بار و کالا در اختیار داشته باشند. در ادامه نیز یک بلندگو در میدان‌بار نصب می‌شود تا نرخ روز را به اطلاع مراجعه‌کنندگان برسانند.

شهرداری در خرداد ۱۳۴۷خورشیدی برای رفاه حال و بهداشت عموم مغازه‌داران و حمل‌ونقل راحت تره‌بار، دستور می‌دهد محوطه داخلی میدان را تسلیح، جدول‌بندی و جلوی مغازه‌ها را اموزاییک فرش کنند. همچنین نمایندگان میدان نادری و شهرداری هر پنج روز، نرخ جدید تره‌بار و میوه‌جات را تعیین می‌کنند و بازرسان در شهر این نرخ را کنترل می‌کنند و بر روی اجناس، برچسب قیمت می‌زنند.

- احداث میدان‌بار رضوی یا کوروش قدیم

میدان‌بار کوروش، دومین میدان‌بار بزرگ مشهد بوده‌است. شهرداری مشهد که بعد از شروع فعالیت میدان‌بار نادری، اهمیت و نقش میدان‌های بار را درک کرده است، درصدد تداوم این روند برمی‌آید و ۱۵خرداد ۱۳۴۴خورشیدی، در خبری اعلام می‌کند که به‌زودی قطعه زمینی به مساحت ۱۲هزار مترمربع در حوالی میدان اعدام و ناحیه غسلخانه قدیم برای ساخت میدان‌بار آماده می‌شود. در ادامه این خبر آمده که قرار است میدان‌های دیگری نیز در حوالی خیابان خواجه‌ربیع و انتهایی ضد، دایر شوند.

برابرنامه‌ای که بنی‌اعتماد، شهردار مشهد، به‌پیرنیا، استاندار خراسان، در ۲۹خرداد ۱۳۴۸خورشیدی نوشته، آمده است: «به‌منظور تأسیس میدان‌بار در خیابان صفوی و بولوار گل‌خطمی، از طرف شهرداری کمیسیونی تشکیل گردد». گویا در این کمیسیون اعلام می‌شود که آستان قدس رضوی پنج هکتار از اراضی محمدآباد یا اراضی گود سلوک برابر مقررات، بدین منظور در اختیار متقاضیان بگذارد تا اقدامات لازم برای احداث میدان را معمول دارند، البته گویا مسئولان مربوط ابتدا تصمیم می‌گیرند حدود ۱۰هکتار از اراضی محمدآباد و اراضی گود سلوک را از آستان قدس رضوی درخواست کنند. شرکت‌کنندگان این کمیسیون نیز اذکتابیان، علی‌بیدگل، وحیدی، رضایی، اسماعیل‌زغنندی، جواد دنگوب‌زمن‌زاده، کاظم غراب و علی‌ازغنندی بوده‌اند. نتیجه مذاکرات و کمیسیون مشخص نیست، ولی می‌دانیم که ملک میدان‌بار کوروش را حاج حسین صفارزاده‌کرمانی ساخته است. اودر سال ۱۳۴۵خورشیدی، زمین را دریافت و شروع به ساخت میدان‌بار می‌کند؛ میدانی که شش سال بعد و در سال ۱۳۵۱افتتاح می‌شود.

برابر اسناد موجود، مکرم رئیس انجمن شهر، دکتر معتمدی شهردار مشهد، اعضای انجمن شهر و جمعی از نمایندگان جراید، ۱۹تیر ۱۳۵۱خورشیدی از این میدان‌بار جدیدالاحداث که «کوروش» نام داشته است، بازدید می‌کنند. نام میدان‌بار کوروش بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به‌رضوی تغییر یافت و اکنون ۲۱۲پلاک و ۱۸۵مغازه دارد که بیشتر آن‌ها به‌صورت سرقفلی واگذار شده‌اند و مستأجران، مشغول فعالیت در آن‌ها هستند.

منبع، اسناد مرکز اسناد شهرداری و کتاب تاریخ اقتصادی مشهد تألیف، علی نجف زاده و جلیل قصابی گزوه

درباره عهدنامه «مجمل» که ۲۱اسفند ۱۱۸۷ بین ایران و انگلستان منعقد شد

عهدنامه تحویل ایران به روسیه



سیدی افتتاحی شاه قاجار در ۲۶سال تاجداری اش چند قرارداد مهم را با دولت‌های خارجی امضا کرد که عهدنامه «مجمل» یکی از آن‌هاست؛ عهدنامه‌ای که در ۲۱اسفند ۱۱۸۷ به امضای دو دولت ایران و انگلستان رسید تا مرهمی باشد بر عهدنامه نافرجام «فین‌کنشتاین»، اما مفاد آن طوری پیش رفت که در ادامه ایران را دست‌بسته به روسیه تحویل می‌داد. با این اوصاف، ماجرای این عهدنامه‌ها از چه قرار است؟

براساس اسناد و روایت‌های تاریخی، روابط دیپلماتیک میان ایران و انگلستان از ۱۲۱۲قمری (۱۱۷۶خورشیدی) و با اعزام «مهدی‌علی‌خان حشمت‌جنگ» از طرف حکومت هند به ایران آغاز شد. این اشخاص برای آن آمدند که فتحعلی‌شاه را قانع کنند که به زمانشاه درانی، پادشاه قدرتمند افغانستان، اعلان جنگ بدهد. به این صورت، توجه او از هند گرفته و به ایران معطوف می‌شد. اما قبل از آنکه مهدی‌علی‌خان به تهران برسد، ناپلئون با لشکرکشی به مصر، این کشور را که مستعمره انگلیس بود، به‌شکلی جدی‌تر تهدید کرد. مقارن این ایام، هنگامی که زمانشاه برای حمله به هند آماده شده بود، از سوی برادرش محمود هدف حمله قرار گرفت و در نتیجه، زمانشاه مغلوب و دستگیر و ناپینا شد.

هجوم محمود به زمانشاه با پشتیبانی فتحعلی‌شاه رقم خورد که نگران طمع‌ورزی و تجاوز زمانشاه به شرق ایران بود. در ۱۸۰۰میلادی (۱۱۷۸خورشیدی) حکومت هند، افسر جوانی به‌نام کاپیتان جان ملکم را با هدایای زیاد مأمور کرد که روانه دربار ایران شود و عهدنامه‌هایی علیه فرانسه و افغانستان منعقد کند. عهدنامه‌های سیاسی و بازرگانی مطابق آن ایران متعهد شد از یک‌سواز حمله احتمالی افغان‌ها به هند جلوگیری کند و از سوی دیگر، مانع ورود فرانسوی‌ها به خلیج فارس شود؛ اما با منتفی شدن خطر حمله و هجوم فرانسه، رابطه بین ایران و حکومت هند هم حدت‌وشدت خودش را از دست داد.

چهار سال بعد، پس از قراردادهای نافرجام دیگری، فتحعلی‌شاه که می‌دانست به‌تندی‌ای توانایی مقابله با روس‌ها را ندارد، سال ۱۸۰۵میلادی (۱۱۸۳خورشیدی) نامه‌ای به ناپلئون نوشت و پیشنهاد کرد عهدنامه‌ای مبنی بر اتحاد بین ایران و فرانسه منعقد شود تا از این طریق به ایران کمک شود. ناپلئون نیز بنا به درخواست به‌تنهایی شاه، شخصی به‌نام ژوبر را برای تحقیق در کسب اطلاع از اوضاع به ایران فرستاد و چندی بعد در سال ۱۸۰۷میلادی (۱۱۸۵خورشیدی) در فین‌کنشتاین عهدنامه اتحاد بین ایران و فرانسه منعقد شد.

به دنبال عقد این عهدنامه، ژنرال گاردان در رأس هیئتی به ایران آمد و روابط دو کشور بیش از پیش توسعه پیدا کرد، اما دو ماه بعد از امضای این عهدنامه، ناپلئون با شکست از روسیه در فریدلند، به ملاقات الکساندر اول، تزار روسیه، رفت و با امضای عهدنامه موسوم به «تیلسیت» با او متحد شد. امضای این عهدنامه به‌معنی تغییر سیاست ناپلئون بود و به‌این ترتیب، عهدنامه فین‌کنشتاین از اهمیت و اعتبار افتاد و موجب یأس و دل‌سردی فتحعلی‌شاه از ناپلئون شد.

طبیعی بود که انگلیسی‌ها از نزدیک شدن روس و فرانسه احساس خطر کنند؛ بنابراین در یک واکنش، حکومت هند جان ملکم را روانه ایران کرد. از طرف دیگر، سرهارفورد جونز از سوی پادشاه انگلستان به‌عنوان وزیر مختار به ایران اعزام شد. جان ملکم ابتدا در ۱۸۰۸میلادی به بندر بوشهر آمد، ولی اجازه نیافت به تهران بیاید. سرهارفورد جونز که مدت چندماه در بمبئی توقف کرده و در انتظار نتیجه مأموریت کمک بود، پس از اطلاع از ناکامی او، با شتاب روانه ایران شد و در فوریه ۱۸۰۹میلادی (۱۱۸۷خورشیدی) به تهران رسید و چهار هفته بعد موافقت فتحعلی‌شاه را برای امضای عهدنامه موسوم به «مجمل» به‌دست آورد. فتحعلی‌شاه تصور می‌کرد فقط دوستی با پادشاه انگلیس برای او در مقابل روسیه کافی است، وگرنه شاه ایران، جونز را نمی‌شناخت. جونز نزدیک به دو سال ونیم مأمور دولت انگلیس در ایران بود.

مدتی بعد دولت انگلستان سرگور اوژلی را با هدایای زیادی به ایران اعزام کرد. اوژلی چندماه بعد از ورود به تهران، در ۲۹صفر ۱۲۱۲ (۲۳اسفند ۱۱۹۰موقف شد عهدنامه «مقل» را با دولت ایران منعقد کند. این عهدنامه برای تقویت ایران در مقابله با روسیه بود و براساس آن دولت انگلستان باید سالانه ۲۰۰هزار تومان به ایران کمک مالی پرداخت می‌کرد؛ البته این عهدنامه به تصویب دولت انگلستان نرسید، چون انگلیسی‌ها پس از مدتی در روابطشان با دربار ایران تغییر روش دادند. دلیل اصلی این چرخش در سیاست خارجی انگلستان نیز شکل‌گیری اتحادهای جدید میان دولت‌های بزرگ اروپایی بر ضد ناپلئون بود. الکساندر، تزار روسیه، با چند کشور اروپایی از جمله انگلستان مصالحه کرد و این مصالحه موجب شد فرانسه نتواند هند را به‌شکل جدی تهدید کند. از سوی دیگر، مفاد عهدنامه مفصل، بر ضد روسیه قلمداد می‌شد و پس از هم‌دستی و برقراری عهدنامه‌ای در ۱۸۱۲میلادی بین انگلیس و روسیه، توجه و علاقه انگلستان برای دوستی و اتحاد با ایران کاهش یافت. ازاین‌رو، سرگور اوژلی، سفیر انگلستان در ایران، با اطلاع از دوستی میان انگلستان و روسیه بلافاصله درصدد برآمد با استفاده از نفوذ برتر انگلستان در ایران، فتحعلی‌شاه را به صلح با روسیه متقاعد کند و برای تأمین این هدف نخست افسران سرقفلی را که در خدمت ارتش ایران بودند، فراخواند. بعد از پرداخت کمک‌های مالی به ایران جلوگیری کرد و فقط با وعده‌ووعید بر فشارش به فتحعلی‌شاه افزود. خلاصه اوژلی پس از یک‌سال در اکتبر ۱۸۱۳(مهر ۱۱۹۲) فتحعلی‌شاه را به امضای عهدنامه موقت «لستان» مجبور کرد و به‌گفته سرهارفورد جونز ایران را دست‌بسته به روس‌ها تحویل داد.

